



وزیر حسن‌زاده، افسر جوان وزارت امور داخله، برنده جایزه جوان موفق سال ۲۰۱۶. دومین بانوی نظامی. محصل دوره ماستری در کشور فدراتیف روسیه. هدف شان بلند بردن سطح آگاهی نظام کنونی و همچنان رشد ساختاری نظام و رهبریت توسط بانوان!

حجاب مصوونیت است نه محدودیت دنیای مردان



سال اول
شماره ۲۲
دوشنبه
۱۶ دلو ۱۳۹۶
قیمت ۱۰ افغانی
Monday
February 5, 2018
Vol. 1
No. 22



هر چه مردان در باره زنان نوشته اند باید نامطمئن باشد، زیرا مردان در آن واحد هم داور اند و هم طرف دعوا.

پولن دولا بار

این جا، چراغی روشن است

مبارزه ما هدف مند و پیوسته است

گفتگو با حمیرا ثاقب کنش‌گر حوزه زنان

ص ۳



رویکرد نیمخ

ندای برحق اعتراض علیه حجاب اجباری «دختران خیابان انقلاب»

زنی جوانی چند روز قبل از اعتراضات ۱۳۹۶ در ایران، بدون روسری بر سکوی بلند می‌شود و روسری سفید رنگی را بر چوبی می‌بندد و آنرا علیه حجاب اجباری تکان می‌دهد. نام او ویدا موحد است و در بین اذهان عمومی تا مدتی نا معلوم بود. آن زمان پولیس ایران وی را دست‌گیر می‌کند و بعد از مدتی نسرين ستوده وکیل دادگستری در اول گفته بود: «ویدا موحد آن روز پس از اعتراض بازداشت شده و بعد از بازداشت شدن مدتی کوتاهی آزاد شده و دوباره بازداشت می‌شود. پس از این خبر این وکیل دادگستری در توییتر خود از آزادی او خبر داده و نوشته بود: «ویدا موحد در هفتم بهمن ۱۳۹۶ آزاد شده است.»

این حرکت اعتراضی الهام بخش بسیاری از زنان و مردان در ایران شده و حتا در بیرون از ایران، یک دختری ایرانی در میدان اصلی شهر لینز اتریش ایستاده می‌شود و به حمایت از ویدا موحد «دختر خیابان انقلاب» دست تکان می‌دهد. این حرکت دختر خیابان انقلاب با واکنش‌های جدی و زیادی در فضای مجازی توام با عکس و فلم و... همراه بود. بعد از گذشت چند روز از این حرکت نمادین ویدا موحد زنان و دختران زیاد ایرانی در همان نقطه و دیگر نقاط شهر تهران و دیگر مناطق ایران دست به اعتراض زدند و حمایت شان را از این حرکت اعلان نمودند. این معترضین از سوی حکومت با واکنش‌های زیادی رو به‌رو شده اند و تا چند روز پس از اولین حرکت در حدود ۲۹ نفر را دست‌گیر نمودند. سازمان عفو بین الملل بیانهای منتشر کردند و در آن خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط ویدا موحد شدند.

در مقابل دبیر ائتلاف اسلامی زنان گفته بود: «کسی که روسری اش را بر می‌دارد مجرم و قانون شکن است و به نظرم این موضوع با نگرش اسلامی کاملا در تضاد است.» از سوی دیگر مدیرمسئول سایت زنان ایران گفته بود: «این بازی‌های فضای مجازی و برخی از رسانه‌ها است که هم خط با تولید کنندگان این بازی‌ها هستند. شما بروید از ملت سوال کنید ببینید اصلا کسی با این حرف‌ها کاری دارد. این رسانه‌ها هستند که به این موضوعات دامن می‌زنند.»

بر علاوه آن چه این‌جا یادآوری کردیم کسانی زیادی گفته اند که این حرکت‌ها از بیرون از ایران آب می‌خورند و خیلی‌ها به خاطر این کارها از آمریکا و دیگر دشمنان اسلام و ایران پول می‌گیرند.

حکومت ایران و طرفداران نظام حکومت اسلامی با این حرف‌های شان به صورت آشکارا به این نکته تاکید کردند و می‌کنند که زنان معترض لعبتکان بیش نیستند و این زنان مثل بادی در سر انگشتان یک تعداد غیر مسلمان و نظام‌های ضد اسلامی می‌چرخند.

اما سخن این‌جاست که آیا درست است بازی‌چه خواندن تعدادی از آن زنان که به درک این مسئله که آن‌ها به مثابه یک انسان آزادی حق شان هستند رسیده اند؟ خیلی بی انصافی نیست آن‌عده از زنانی را که توانایی فهم موضوع خود مختار بودن شان را پیدا کرده اند را لعبت پندارند؟ در این باره که مسئله اعتراض به منظور به دست آوردن چیزی بر گرفته شده از درک و فهم کسی هست که خواستار آن موضوع مطلوب می‌باشد شکی وجود ندارد. همیشه درک وضعیت نا به‌هنجار عامل دیگرگونی‌ها می‌شود. تاریخ به تکرار نشان داده است که محدودیت‌هایی بی‌پاسخ‌ترین و بدترین حالت ممکن در بین اجتماع انسانی است. هیچ پادشاه دیکتاتوری نتوانسته با ضرب و ستم و مرز ایجاد کردن به خواسته‌های نهایی شان برسند. ممکن است تا مدتی وضع به همین منوال که یک دیکتاتور برایش ساخته به خواست او پیش برود اما در نهایت طوفان عقده‌های سرکوب شده‌ی اجتماع انسانی از گوشه و کنار سر خواهد زد و به این اساس انقلاب شکل خواهد گرفت. زنان به لطف حکومت اسلامی در ایران سال‌های سال استعداد و توانایی شان در پستوهای خانه زیر پرچم مردانه‌گی که اسلام به دست مردان داده است خاکستر شد. حکومت اسلامی ارزش و مفهوم زن را در بین چادر تعریف و قید کرده اند. از اوایل پانزدهمی حکومت اسلامی تا به امروز زنان در ایران به ساز حکومت اسلامی رقصید و سوخت و ساخت. اما امروزه زنان با استفاده از همان درک که به مثابه یک انسانی آزاد، برای زندگی کردن مختار اند خودشان تصمیم بگیرند دیگر رو به پایین از قوانین حکومت اسلامی برای زندگی کردن دور خودشان حصار نخواهند کشید. در همین گیرودارها دختری با حجابی به مسئله‌ی حجاب اجباری اعتراض کرده و گفته بود «که من خودم حجاب را دوست دارم، اما دوست من نه، بنابراین من خواستار لغو حجاب اجباری هستم و برای به دست آوردن این آزادی مبارزه می‌کنیم.»

در اخیر: امیدواریم این ندای برحق اعتراض علیه حجاب اجباری به گوش جهانیان برسد و ندا موحد بلندگویی باشد برای فریاد کردن هزاران صدای خفته در ایران و دیگر مناطقی که دیکتاتورهای زمان حاکمان آن اند.

گزارش زینب محمدی، بی بی سی

هویت!

زنان افغانی که بی نام، بی چهره و بی صدا می‌میرند

عوض علی سعادت، دکتر جامعه‌شناسی، می‌گوید که در افغانستان، یک دختر تا زمانی که در خانواده پدرش هست به نام (دختر فلاتی)، زمانی که ازدواج کرد، (زن فلاتی) و سرانجام به نام (مادر فلاتی) شناخته می‌شود.

به گفته آقای سعادت، هر چه بیشتر زندگی زنان شکافته شود، بیشتر ثابت می‌شود که بسیاری از زنان در افغانستان هویت مستقلی ندارند.

نداشتن نام و تصویر نه تنها در زندگی اجتماعی که گاه در زندگی سیاسی زنان نیز مشکل ساز شده است.



اینجا قبرستان «کارته سخی» شهر کابل است. دنبال قبر یک آشنا می‌گشتم و مجبور شدم نام شمار زیادی از مردگان را بر سنگ قبرها بخوانم. چیزی که مرا از فکر یافتن مقبره آن آشنا دور ساخت، مقبره بسیاری از زنانی بود که آنجا دفن شده بودند. هیچ کدام نامی نداشتند. قبر مادر فلاتی یا همسر فلاتی!

بسیاری از مردان افغان از یاد کردن نام زنان خانواده شان شرم دارند؛ بسیاری از این قضیه باخبرند اما نمی‌دانستند که حتی زنان در قبر نیز باید گمنام بمانند.



داستان
کوه علی فکور

حجاب

مصونیت است نه محدودیت دنیای مردان

جامعه محافظت می‌کند. با پوشش آن، هم خیال زنان راحت است و هم خیال مردان، اما چرا مردان از این مصونیت محروم باشند؟ مگر تقاضای عدالت، همین جانبدار بودن آن است؟ در جایی گفته‌اند که: «اگر بی‌حجابی تمدن باشد، پس حیوانات از جمله‌ی متمدن‌ترین موجودات است.» مخاطب این جمله، زنان است که داشتن حجاب را برای او عین عدالت و عین مدنیت محسوب داشته‌اند. اما این جمله توهین بزرگی به مردان است. مردانی که حجاب ندارند و موهای براق و درخشان شان را نمی‌پوشانند و بی‌باکانه اندام شان را در

معروض نمایش «سینمای عمومی» می‌گذارند. این جمله مردان بی‌حجاب را در ردیف حیوانات قرار می‌دهد، همان‌طوری که زنان به فرض بی‌حجابی در ردیف حیوانات قرار می‌گیرند. پرسش‌های من خیلی سنگین نیست. همه می‌توانند جواب بدهند. هم مخالفان و هم موافقان؛ زیرا این پرسش‌ها بر می‌گردد به عدالت (عشق) دیرینه‌ی انسان‌ها و منبع هستی‌بخش زندگی) و بر می‌گردد به «انصاف». پس جواب دادن اش برای همه کسانی که دغدغه‌ی انصافیت، عدالت و انصاف دارند، ساده و آسان است. آیا حجاب، واقعا مصونیت است، نه محدودیت؟

در صورتی که مصونیت است، چرا مردان از این مصونیت محروم‌اند؟ اگر موها و اندام زنان، دل‌کش و دل‌ربا هست، آیا اندام و موهای مردان، زنان را به گناه نمی‌کشاند؟ آیا زنان، موجبات گناه و انحراف است که با پوشیدن حجاب، این مشکل برچیده می‌شود؟ آیا حجاب برعلاوه‌ی حاکمیت و قیمومیت مردانه باعث وضع محدودیت در آزادی پوشش زنان نمی‌شود؟ آیا با حجاب، عدالت انسانی و جنسیتی نقض نمی‌شود؟ و جانبداران نیست؟ اگر عادلانه نیست، پس نیاز به باز تعریف «عدالت» نیست؟

زنان، به تعبیر سیمین دوبار تبدیل شدن از دنیای «انسانی» به دنیای «زنانه» است. او اول «انسان» متولد می‌شود، اما جامعه با تقسیم اسباب‌بازی و تفکیک کار او را «زن» -تگون‌بخت و بدبیار- می‌سازد بلی، حجاب مصونیت است، نه محدودیت. این جمله، ناب و قشنگ است. «جامعه‌ی آرمانی» مردان و زنان دین‌دار در زیر چتر حجاب از انواع و اقسام بلاها محفوظ می‌مانند. پوشش آن «خیر»، و دور زدن آن سرچشمه‌ی «شر» محسوب می‌شود. حجاب، سپر آهنینی است که جسم زنان را از شمشیر زهرآگین چشم‌چرانان

مردان (دنیای آزادی‌ها) پناه برده‌اند، حجاب را «اجباری» دانسته و آن را پس زده‌اند. دنیای خصوصی زنان در صورت فراهم شدن- دنیای فرار از حجاب و نشان دادن موهای براق و بلورین است، اما هیچ‌زمانی اتفاق نیافتاده است که یک مرد- در صورت نارضایتی از دنیای مردانه- به دنیای زنانه (دنیای تاریکی‌ها و محدودیت‌ها) پناه برده باشد. هیچ مردی دوست ندارد آزادی‌های سرشارش توسط حجاب، محدود شود و تصمیم‌گیرنده‌ی زندگی او هم کسی باشد که فکر می‌شود خلقتا و خلقتا با او یکسان است. دنیای

دنیای مردان، دنیای آزادی‌هاست؛ دنیای رشد و شکوفایی و بالندگی؛ دنیای کسب افتخارات و تبارز استعداد‌های نهان و دنیای تمدن و سرکشی و در نهایت دنیای اختیار و تصمیم‌گیرندگی است، اما دنیای زنان، دنیای تاریک و بی‌فروغی است. دنیای سرکوب و اختناق است، دنیای نداشتن حریم خصوصی و تجاوز شدن، دنیای توهین شدن و تحقیر شدن، دنیایی که با فرض ناقص‌العقل بودن و ضعیف خواندن وی، لگد بر روی تمام آرزوهای شان گذاشته می‌شود. دنیای زنانه، دنیای سوختن و ساختن است؛ دنیایی که غیابت شوهر را از ۴ سال تا ۹۰ سال باید تحمل کند. دنیایی که از یک شوهر صرف با خواندن کلمات «انت طالق»، چندین‌بار طلاق می‌شود و دوباره به خواست شوهر و بدون رضایت خود زن، برگردانده می‌شود. بدون رضایت و برخلاف میل اش به ازدواج داده می‌شود. دنیای فروش، بردگی، بد، بدل و تمکین به خواسته‌های ناروای مردان است؛ دنیای تادیب و تنبیه و مجازات است؛ با چوب، با سیلی، و با سنگ‌سار، به دست پدر، به دست برادر و به دست شوهر و حتا به دست کاکا و ماما و اقاریب درجه چندم. سرنوشت کودک و زن تقریبا یک‌سان است و هر دو در دست مردی رقم می‌خورد و تادیب و مجازات می‌شود که گویا مصلحت زندگی او را در نظر می‌گیرد و با چوب بهشتی تادیب‌اش می‌کند آنگاه که می‌گوید: «چوبی تر من به فدایت ز بهشت آمده‌ای بی‌تو هرگز نشود تربیت کودک و زن» دنیای زنان، دنیای «ماکیان‌ها» است که اگر صدایش شنیده شد، به دنبال آن بدبختی و نگویند بختی نیز به آن خانه سرازیر می‌شود: «نشانی نماند از آن خاندان که بانک «خروس» آید از «ماکیان». یا: «زن و اژدها هر دو در خاک به جهان پاک از این «هردو» ناپاک به» همیشه وقتی زنان خواسته‌اند از قید قوانین موضوعه‌ی جانب‌دارانه و منقبت‌گرایانه رهایی یابند، به دنیای



د کوناندو خانکزي خواکونه د دي نهاره چې له خپل هېواده ساته وکړي. د غوره سرتېرو له دې انتخاب شوي او سخته روڼه يې لېدلې ده.

تېروهای ویژه کماندو از میان بهترین ها انتخاب شدند و آموزش های دشوار را فراگرفته اند تا محافظ افغانستان باشند.

له سور سره یو ځای شئ! له افغان ځواکونو سره د یو ځای کېدو لپاره په خپل ولایت کې د ملي اردو د جلب او جذب مرکز ته ورشئ او یا هم له ۱۴۲ شمېرې سره په اړیکه کې شئ!

یا با نکجا شوید! برای پیوستن به صفوف اردوی ملی افغانستان، به مرکز جلب و جذب در ولایت تان مراجعه کرده و با شماره ۱۴۲ به تماس شوید!



گفتگو

گفتگوگران: آمنه امید

مبارزه ما هدفمند و پیوسته است

گفتگو با حمیرا ثاقب، کنش‌گر حوزه زنان

حمیرا ثاقب لیسانس روان‌شناسی است و نه سال می‌شود که به عنوان رییس خبرگزاری زنان افغانستان فعالیت می‌کند. خانم ثاقب به ادبیات علاقه زیادی داشته و سال‌های زیادی است که قلم می‌زند.

در مدت فعالیت‌های تان، شدیدترین چالش در مقابل شما چه بوده و هم‌چنان از دستاوردهای خود بگوئید،

اصل حرکت در راستای زنان با هدف برابری مهم‌ترین چالش است. فرق نمی‌کند که از نه سال پیش شروع کرده باشی یا از امروز شروع کنی. قرن‌هاست که به این شکل است. اما نظر به منطقه و جغرافیا، حساسیت‌ها نسبت به آن فرق می‌کند. مهم‌ترین چالش من، بحث دین در مورد زنان بوده است. سواد کم و سنتی دینی در مورد

می‌شود؛ موضوع خشونت زن برضد زن است. عده‌ای می‌گویند که خشونت زنان در مقابل زنان بیش‌تر از خشونت است که مردان در مقابل زنان انجام می‌دهند. شما در این مورد چه می‌گوئید؟

دامن زدن به این موضوع، محصول نگاه جامعه‌ی مرد سالار است. به این معنا که وقتی ریشه‌های اصلی مشکل پیدا می‌شود، اصل نا برابری‌ها را کسی گذاشته که در راس است و در راس این جامعه مردان قرار دارند. متوسل شدن به این که خشونت زن علیه زن وجود دارد، شکی نیست وجود دارد. اصل خشونت انسان علیه انسان وجود دارد. به گفته‌ی هابز انسان گرگ انسان است. چون فرصت‌ها و منابع محدود است و منافع متعدد. مثلن



مردی که نان آورااست و دو زنی که چشم دوخته به پول این مرد. این‌جا منازعه‌ی شدید است. اما زنی که دستش به جیب خودش است کم‌تر منازعه دارد. در سطح نظام، حکومت و اجتماع همیشه فرصت‌های شغلی برای زنان کم‌تر است. مثلن از ۱۰۰ بست جنرالی دو بست مربوط به زنان است. زنان به خاطر دو بست رقابت می‌کنند در حالی که مردان به خاطر ۱۰۰ بست رقابت می‌کنند. این خودش باعث می‌شود که شما نا خودآگاه در دایره‌ی نگاه مرد سالارانه بر جامعه قرار بگیرید و این سوال را مطرح کنید.

بانو ثاقب کار و فعالیت زنان در نهادهای جامعه مدنی و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی از این آدرس، چقدر منسجم و ارزش مدارانه بوده است؟

البته جامعه‌ی مدنی خودش بر اساس یک ارزش کلان و فکر برتر است. شما همیشه ارزش‌های مدنی و حقوق بشری را از حنجره‌ی فعالین مدنی شاهد هستید و از حنجره‌ی نهادهای مدافع حقوق زن می‌شنوید. جامعه امروز جامعه ده سال قبل نیست. چند سال قبل ما در میدان هوایی ایستاد می‌شدیم و اجازه نمی‌دادیم که مولانا فضل‌الرحمان در کشور بیاید و این ترویج شد. امروز در ولایت‌های مختلف مردم ایستاد می‌شوند و اعتراض می‌کنند. نفس اعتراض کردن خودش یک ارزش است. مردم به این باور رسیده‌اند که برای گرفتن حق شان باید مبارزه کنند و در مقابل رفتارهای نادرست اعتراض کنند. بحث انتخابات را فراموش نه‌کنیم. نهادهای جامعه مدنی چه‌قدر در مورد انتخابات و ارزش‌های دموکراسی دولت را تحت فشار قرار داده، به خصوص شبکه نهادهای مدنی برای انتخابات. آن‌قدر فشار آورد تا قانون انتخابات را تعدیل کند و کمیته‌ی انتخابات را به وجود بیاورد. یا در بخش صلح، ما مشخصن در سال ۲۰۱۵ برنامه‌ی داشتیم که گره‌ی کور صلح به دست کیست و فهمیدیم

که حکومت اصلن استراتژی مدونی نه‌دارد در این مورد. با هم کاری جامعه‌ی مدنی و کار کردهای زنان پالیسی‌هایی تدوین شد و کاری صورت گرفت در حکومت جدید. امروز شما حضور خانم‌ها را دارید هرچند سخت است که ما به تمام اهداف خود به صورت صد در صد برسیم. ولی با آن هم کارهای خوبی صورت گرفته است در جامعه‌ی که نرخ بی‌سوادی بیداد می‌کند. ما حتا کم سواد نه‌داریم در جامعه‌ی خود. شما در یک جامعه‌ی گرسنه و فقیر از کدام ارزش‌ها می‌خواهید حرف بزنید؟ مردمی که فریاد می‌زند و شکم گرسنه دارند. همین است که کار جامعه مدنی را با چالش و مشکل رو به‌رو ساخته است.

بانو ثاقب شما در یکی از صحبت‌های خود گفته بودید که بیاید بحث دختران و زنان را از هم‌دیگر جدا نه‌کنیم. فعالیت‌های پراکنده‌ی عده‌ای به‌نام دختر و عده‌ی دیگری به‌نام زن، کارساز نیست. باید فعالیت‌های ما منسجم و هدف مند شود. برای رسیدن به این انسجام چه کارهایی صورت گرفته است؟

کنش‌گران حوزه‌ی زن نباید موافق با نگاه مرد سالارانه تقسیم‌بندی‌هایی در حوزه‌ی زنان انجام دهند. مثلن پسرها هیچ‌گاه جدا از مرد‌ها دسته‌بندی نمی‌شوند اما در قسمت زنان گفته می‌شود که این یک دختر بود و حالا که ازدواج کرده، شده یک زن. من به این نوع نگاه نقد دارم. حرف این‌ست که ما زنان را نباید برای یک مرد تعریف و تفسیر کنیم. کنش‌گران حوزه‌ی زنان نباید واکنشی حرکت کنند. اگر یک آسیب شناسی داشته باشیم، حرکت‌های که در طول این مدت انجام شده بیش‌تر واکنشی بوده‌اند. باید این نوع وضعیت تغییر کند.

شما به عنوان انسانی که برای تاثیر گذاری زنان در سرنوشت شان و راه رفتن زنان در حلقه‌های تصمیم‌گیری تلاش می‌کنید، چه راه کارهایی را برای حضور موثر زنان و تسلط آنان در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی موثر فکر می‌کنید؟

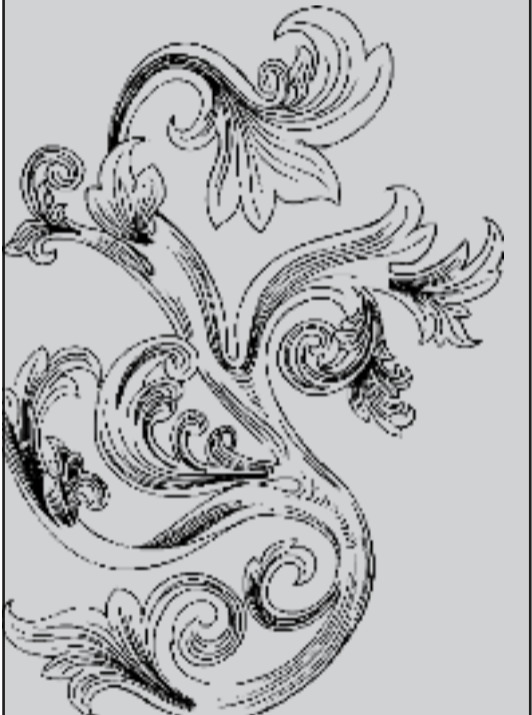
همیشه گفتم که در دو بخش باید کار شود. یکی در قسمت پالیسی‌سازی؛ زنان در رهبری حکومت باید حضور موثر داشته باشند. زنان به عنوان تصمیم‌گیرنده و کنش‌گر باید حضور داشته باشند و نه به عنوان آمر بست چند و مامور ساده. زنان باید در طرح، تدوین، تطبیق و نظارت از پالیسی‌ها سهیم باشند. در غیر این صورت حضور کنش‌گران حوزه‌ی زن، نمی‌تواند به تغییر و پیش‌رفتی دست پیدا کند. نیازهای زن و مرد از هم فرق دارد. مردان دنیای زنانه را درک نمی‌کنند. به نظر یک مرد اگر به خانمش نان و لباس رسید، خانم به حق خود رسیده است و تازه اگر بگذارد که خانم تا صنف دوازده درس بخواند، فکر می‌کند که حقوق و امتیازات اضافی به او داده است. هیچ وقت نمی‌دانند که نیاز اساسی زن فراتر از خوراک و پوشاک است. اگر به زنی خوراک و پوشاک بدهید و نهایتش بگذارید که به جایی برود، چه فرقی بین او و گوسفندی است که زبر پایش را پاک می‌کند و برایش علف می‌دهد. این نوع نگاه، نگاهی غیر انسانی و آزار دهنده است. و برای همین طرز نگاه باید زنان در پایی‌های قرار داشته باشند. زنان زمانی که وارد دولت می‌شوند با خشونت‌های ساختاری سازمان‌یافته رو به‌رو می‌شوند که این خشونت‌ها زنان را زمین‌گیر کرده است و مانع راه یافتن زنان در سطوح بالا می‌شوند. مثلن مشاورین شورای امنیت چند نفر زن است؟ چند نفر وزیر زن دارید؟ زنان چند درصد در حلقه‌ی تصمیم‌گیری کلان سیاسی و کشوری حضور دارند؟ در واقع همین خشونت ساختاری مانع اصلی حضور موثر زنان است. به طور مثال برای رقابت در یک بست یک خانم باید صد در صد شرایط را پوره کند اما یک آقای حتا اگر بی‌سواد باشد ولی به خاطر روابط خودش انتخاب می‌شود. بحثی دیگر کار با اذهان مردم است. چرا ما هنوز از زن گفتن می‌ترسیم؟ از زن شنیدن می‌ترسیم؟ ما باید گفت‌گوها را از دانشگاه‌ها شروع کنیم. در مکاتب صحبت کنیم؛ ولی چیزی که خیلی مهم است در پشت پرده‌ی گفت‌گوها شما باید زنان دانش‌مند، قوی و کنش‌گر حوزه‌ی زنان را داشته باشید. که آشنا با جامعه‌ی خود باشید و بتواند جامعه و ساختارها را بشناسد و جواب بسیار قوی داشته باشد. ما اگر بلد نیستیم نباید کاری انجام دهیم که وضعیت بد تر شود. تغییر نیازمند این است که شما زنان جوان و متخصص را به عنوان کنش‌گر در حوزه‌ی زنان داشته باشید. شما انتخابات را دیدید. زنان قوی و توانمند بار انتخابات را به دوش کشیدند اما در آخر روز چه‌قدر از این خانم‌ها شریک تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی و حکومتی‌اند؟ اکثرن مشاوران و یگان نفر هم معین شده است. این‌ها همه استفاده‌ی ابزاری از کار زنان می‌باشد و در همه جا است. آن‌طوریکه گفتیم ما بیش‌تر واکنشی عمل کردیم. ما نه‌توانستیم یک عمق خاص در حوزه‌ی

جعد گیسو

کج فروغ فرخ زاد

دختر و بهار

دختر کنار پنجره تنها نشست و گفت
ای دختر بهار حسد می‌برم به تو
عطر و گل و ترانه و سر مستی ترا
با هر چه طالبی بخدا می‌خرم ز تو
بر شاخ نوجوان درختی شکوفه‌ای
با ناز می‌گشود دو چشمان بسته را
می‌شست کاکلی به لب آب تقره فام
آن بالهای نازک زیبای خسته را
خورشید خنده کرد و ز امواج خنده اش
بر چهر روز روشنی دلکشی دوید
موجی سبک خزید و نسیمی به گوش او
رازی سرود و موج برمی‌از او رسید
خندید باغبان که سرانجام شد بهار
دیگر شکوفه کرده درختی که کاشتم
دختر شنید و گفت چه حاصل از این بهار
ای بس بهارها که بهاری نداشتم
خورشید تشنه کام در آن سوی آسمان
گوی می‌ان مجرمی از خون نشسته بود
می‌رفت روز و خیره در اندیشه‌ی غریب
دختر کنار پنجره محزون نشسته بود



دانش زنان ایجاد کنیم که مطابق با آن حرکت ما رشد کند. ما سازنده‌ی طرح‌ها نه‌بودیم. همیشه اجراکننده‌ی برنامه‌ها بودیم. این گونه است که ما با چالش‌های زیادی رو به‌رو هستیم. به خصوص با اذهان مردم و ذهنیت‌سازی‌های کار زنان. خبرگزاری زنان افغان - کارهای زیادی با رسانه‌ها داشته است. مشخصن دو دور کار کردیم در قسمت این که رسانه‌ها زنان را چه‌گونه به جامعه معرفی می‌کنند؟ قدرت زنان و توانایی زنان در راستای قوانینی که از حقوق زن محافظت می‌کند، چه‌گونه در رسانه‌ها بازتاب پیدا می‌کند. متأسفانه در خیلی از موارد حتا رسانه‌های ما از قوانین خبر نه‌دارند. به همین خاطر است که ما زنان نا شناخته باقی مانده ایم. ما زنان حتا برای خود ما نا شناخته ایم. ما باید روی اذهان عامه کار کنیم. روی پالیسی‌ها کار کنیم. در یک مقایسه با کشورهای منطقه، ما بسیار پالیسی‌های خوبی داریم اما این قوانین و پالیسی‌ها تطبیق نمی‌شود. که من از آن بیش‌تر به بره‌های کاغذی تعبیر می‌کنم تا قوانین. ما نیاز داریم که کار مستمر و با فکر انجام دهیم.

چه راه کارهایی را فکر می‌کنید که می‌تواند به رسیدن زنان در حلقه‌ی تصمیم‌گیری کمک کند؟

مبارزه، مبارزه و مبارزه. ما باید مبارزات نرم و قاطع خود را به صورت هدف‌مند و دوام‌دار ادامه دهیم. زنان باید روی تحصیل خود کار کنند. و تلاش شود که در حوزه‌ی تحصیلات و معارف، راه برای دیگر زنان باز شود. کار روی تحصیل، مبارزه‌ی پی‌گیر و داد خواهی‌ها می‌تواند برای تاثیر گذاری بیش‌تر زنان و حضور مفید آن‌ها موثر باشد تا زنان در حوزه‌های مختلفی که به سرنوشت جمعی زنان تاثیر گذار است، تصمیم‌گیرنده باشند. من به آینده‌ی حضور زنان خوشبین هستم. به خاطر که وقتی از ارگ ریاست جمهوری تا سطح مکاتب می‌بینم که همه خواهان حق شان هستند و با اراده‌ی محکم می‌گویند که ما حق خود را می‌گیریم. این‌ها ما را بسیار امیدوار می‌کند و ما عملن نتایج کار و مبارزه‌ی خود را می‌بینیم، با توجه به ظرفیت‌های موجود و مبارزات دوام‌داری که وجود دارد، بارو مند هستیم که زنان به زودی موفق خواهند شد.



Nimrokh Weekly

سال اول • شماره ۲۲ • دوشنبه ۱۶ دلو ۱۳۹۶
Monday • February 5, 2018
Vol. 1 • No. 22



خوانندگان عزیز: نیمرخ بدون جهت گیری خاص سیاسی مقالات و نوشته‌ها را از صاحب نظران منتشر می‌کند.
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فاطمه روشیان
سردبیر: ریچانه رها
گزارش گر: آمنه امید
عکاس: نیلوفر نیکپور
مشاور برنامه ریزی: مریم شاهی
زیر نظر هیئت تحریر
به جز روی کرد نیمرخ سایر نوشته‌ها مسئولیتش به دوش نویسندگان می‌باشد.
هفته نامه نیمرخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.
شماره تماس: ۰۷۸۶۷۷۵۹۹
آدرس الکترونیکی:
NimrokhweeklyV@gmail.com

کبر عظیم بشرم



فمینیسم فریادی برای برابری

است با موی دراز و فکر کوتاه که برای سرگردانی مردها آفریده شده‌اند.

۴- با نگاهی فمینیستی اقتصاد مردانه است، با این که در طول تاریخ در تمام شیوه‌های تولیدی و نظام‌های اقتصادی زنان با مردان یکجا کار و فعالیت نموده‌اند. ولی همیشه مالکان و صاحبان ثروت مردان بوده‌اند. امروز نیز ثروت‌مندترین افراد دنیا مردانند نه زنان.

۵- با نگاهی فمینیستی ادبیات مردانه و تبعیض آمیز است. زیرا توسط مردها خلق شده‌است. ادبا با دید مردانه به هستی و دنیا دیده و قضاوت کرده‌اند. حتا نسبت به زنان توهین نیز کرده‌اند. نمونه‌های آن را ما در ادبیات فارسی زیاد داریم. مثلا:

زن و ازده هر دو در خاک به
جهان پاک ز این هر دو نا پاک به
زنان را ستای سگان راستای
که یک سگ به از صد زن پارسی
«فردوسی»

زن به معنای طبیعت دیگر است
چون طبیعت عنود و کور و کر است
«ملک الشعرا بهار»

زنان گر پاک بودی در جبلت
شدی هم زن سزاوار نبوت
نهان در زیر چادر قد زن به
که یعنی قامت زن در کفن به
زن چو باشد ناقصان عقل و دین
هیچ ناقص نیست در عالم چنین
مرا گفت چو دختر آمد پدید
بیایتش اندر زمان سر برید
در جهان از زن وفا داری کی دید
غیر مکاری و غداری کی دید؟
«شیخ احمد جامی»

زنان چون ناقصان عقل و دینند
چرا مردان ره آنان گزینند
«شیخ محمود شبستری»
زن از پهلوی چپ شد آفرید
کس از چپ راستی هرگز ندید
«جامی»

در ادبیات تمثیل‌ها، تفضیل‌ها و توصیف‌ها مردانه‌است. در تمام توصیف‌های ادبی کارهای مردانه، کارهای خوب و افتخار آمیز است. مثلا اگر بگوییم مردانه رفتار کرد

به این معنا است که خوب رفتار شده‌است. اگر بگوییم زنانه عمل و رفتار کرد، به این معناست که حتمن بد رفتار و عمل شده‌است. شجاعت شیرانه، شجاعت مردانه است. با این که شیر نم نر دارد و هم ماده. یا ضمیرهای مرد «انت» در ادبیات عربی و he در زبان انگلیسی به خدا اشاره می‌شود با این که خدا نه مرد است نه زن.

۶- با نگاهی فمینیستی تمام دین‌ها مردانه‌است. زیرا همیشه مردها پیامبر بوده‌اند. خدا در همه‌ی دین‌ها توسط مردها با مردم سخن گفته‌است. در تمام دین‌ها بر زن‌ها تبعیض اعمال شده‌است. دین‌ها از زن‌ها تصویر زشت و منفی ارایه کرده‌است. مثلا:

در دین یهود تمام عامل بدبختی بشر یک زن «حوا» است. زیرا حوا باعث خروج آدم از بهشت شده بود. در دین هندو اگر مردی می‌مرد، زن به خاطر وفای به همسرش در کنار جسد او خود را می‌سوزاند. یا موهایش را تراشیده، تا آخر عمر آواره می‌شد. براساس آموزه‌های دین هندو، زن‌ها یک روز به خاطر سلامتی شوهرشان روزه می‌گرفتند. با این که یک لحظه، مردهای هندو به خاطر سلامتی همسرشان گرسنه نمانده‌اند.

بودا می‌گفت «وقتی با زن رو به‌رو می‌شوی، گویا با تمساح رو به‌رو شده‌ای؛ پیران شان را مادر و جوانان شان را خواهر گفته بگذرید» و نیز می‌گفت «زن به رستگاری نمی‌رسد مگر این که براساس عمل خوب در دنیای بعد از مرگ و تناسخ دوباره زن آفریده نشود و مرد آفریده شود. آن وقت امکان دارد با عمل نیک به رستگاری برسد».

فمینیست‌های

موج سوم به این باورند که در طول تاریخ با نگاه مردانه به فلسفه، علم و

هستی دیده شده‌است.

اکنون زن‌ها باید با نگاه

خودشان به علم و هستی

ببینند. اگر با نگاه زن‌ها

به علم، فلسفه و هستی

دیده شود، نتیجه‌اش به

مصلحت زن‌ها و غیر از

آنچه حالا هست خواهد

بود. تمام دانش و علم

مردانه و تبعیض آمیز

است. زیرا در طول

تاریخ مردها نسبت به

زن‌ها مغرضانه، غیر

منصفانه، برتری طلبانه و

سلطه جویانه قضاوت و

عمل کرده‌اند.

در کتاب مقدس دین جایی از زبان «مهاویرا» نوشته شده‌است «زن‌ها علت همه‌ی کارهای گناه آلود بودند» و «زن‌ها بزرگ‌ترین و سوسه‌ی جهانند. وی (مهاویرا) در باره‌ی زن‌ها صحبت نمی‌کند، به آن‌ها نگاه نمی‌کند، یا آن‌ها به مکالمه نمی‌پردازد، کار آن‌ها را انجام نمی‌دهد».

در الهیات بعضی دین‌ها کشمکش بر سر این بود که آیا زن انسان است؟ آیا زن مخلوق کامل خدا است یا نسخه‌ی ناقص مرد؟ آیا زن و مرد در پیش‌گاه خداوند مساوی‌اند؟

در دین اسلام زن‌ها در موارد زیادی نسبت به مردها حقوق و جایگاه مساوی ندارند. زن‌ها در مسایلی چون میراث، قصاص، شهادت و... نصف مردها شمرده می‌شوند. زن‌ها اجازه ندارند قاضی و امام جماعت شوند. زن نمی‌تواند رهبر مردها باشد. علی در خطبه هشت نهج البلاغه گفته‌است «زن ناقص العقل است».

ادامه دارد...

افغان ولسی او پولیس لاس په لاس د خلکو د ساتونکو په توګه د تلپاتې سولې او د ادمن امنیت بستې جوړوي



پولیس و مردم افغانستان دست به دست هم داده اند و سختیست محافظین مردم اساس صلح و امنیت پایدار را تشکیل میدهند



د بېګناه خلکو ژوند وژغورئ! د مشکوکو فعالیتونو په اړه افغان ملي دفاعي او امنیتي ځواکونو او یا هم د پولیسو ۱۱۹ شمېرې ته خبر ورکړئ!



زندګی مردم بېګناه را نجات دهید: فعالیت های مشکوک را به نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغان و یا هم با تماس به شماره ۱۱۹ به پولیس اطلاع دهید!